

بخش‌هایی از وصیت‌نامه خمینی



دو شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۶۸ برابر با ۲۱ ژوئن ۱۹۸۹ به‌ماه عریال - سال ششم - شماره ۲۶۱

مرگ ولی فقیه، مرگ ولایت فقیه

اینک خمینی مُرده است. با مرگ خمینی رژیم مبتنی بر ولایت فقیه جمهوری اسلامی بدون ولی فقیه مانده است. خمینی رکن و بنیان‌گذار حکومت اسلامی، رهبر فقیه و مرجع رهبر نظام سر بر خاک نهاده است. با مرگ اولین و آخرین فردی که توأماً مرجع تقلید و رهبر سیاسی امت حزب الله بود، اصل ولایت فقیه نیز می‌رود که به‌گور سپرده شود. کنار نهاده شدن اصلی که عقب‌مانده‌ترین و خشن‌ترین اشکال نفی صلاحیت مردم در انتخاب راه و اعمال اراده خود را در اشکال رسمی و نهادی شده بازتاب می‌دهد، نفی عملی اصلی که توهینی تاریخی به توده‌های مردم محسوب می‌شود، توأماً است با تداوم استبداد مذهبی و دیکتاتوری آخوندی، همراه است بانفی‌خشن و عقب‌مانده حقوق مردم. پس از کنار گذاشتن "فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری" از جانشینان خمینی و در حالی که هیچ فرد دیگری شرایط جایگزینی منتظری را دارا نبود، سردمداران رژیم بسیار بقیه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی در جهان امروز را از دیدگاه خود بیان کرده است. و از جمله نوشته است: "ما و ملت‌های مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی ما و همه مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابر قدرت‌های جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند." خمینی در پایان مقدمه وصیت‌نامه خود می‌نویسد: "آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی الهی این جانب اختصاص به ملت عظیم‌الشان ایران ندارد بلکه توصیه به جمع ملل اسلامی و مظلومان جهان در هر ملت و مذهب می‌باشد."

وصیت‌نامه خمینی باتاکید و تشریح دو نکته آغاز می‌شود. اول اینکه: "شک نباید داشت که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست... و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه فیبی بود و دوم اینکه: "اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با بکار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند."

خمینی در ادامه وصیت‌نامه خود به تشریح خطرهایی که حکومتش را تهدید میکند می‌پردازد. او در ابتدا بر ضرورت وحدت پیروانش تأکید می‌کند و می‌نویسد: "از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر خصوصاً در دهه‌های معاصر و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم بقیه در صفحه ۳

متن کامل وصیت‌نامه خمینی در روز سه شنبه ۱۶ خرداد انتشار یافت. این وصیت‌نامه که شامل یک مقدمه ۶ صفحه‌ای، ۲۹ صفحه متن اصلی و یک صفحه ضمیمه است، پس از خوانده شدن توسط رهبر جدید آیت‌الله شده جمهوری اسلامی، هلی‌خانه‌ای در جمع سران حکومتی، در روزنامه‌ها انتشار پیدا کرد.

مقدمه وصیت‌نامه را خمینی به ذکر میانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی و تشریح اسلام از وجوه مختلف اختصاص داده و وضعیت



احمد، گریان بر جنازه خمینی

سرکوب خونین جنبش دمکراسی در چین

سرانجام دو هفته پس از اعلام حکومت نظامی ارتش چین تظاهرات اعتراضی دانشجویان را سرکوب کرد. شهر یکن فرق خون شد. در این بین تعداد بسیاری از مردم پایتخت کشته و زخمی شدند. روز شنبه ۳ ژوئن سران ارتش ۲۷ چین به داخل پکن پیشروی کردند. هنگام پیشروی ارتش به مانند دفعات قبل ده‌ها هزار نفر از مردم برای ایجاد معانعت در برابر سران، مسیر حرکت آنان را سد کردند. اما این بار تانک‌ها با سرعت زیاد در خیابان‌هایی که به دروازه صلح آسمانی منتهی میشد به پیش‌راندند. مردم با پرتاب سنگ و به‌آتش کشیدن تانک‌ها و خودروهای ارتشی به مقابله پرداختند. بنابر گزارش‌های رسمی نزدیک به ۳۵۰۰ سرباز جان خود را از دست دادند و ده‌ها تانک و خودرو نظامی به‌آتش کشیده شد. پکن در روزهای شنبه و یکشنبه هفته گذشته شاهد یک جنگ داخلی تمام‌عیار بود. آمبولانس‌ها در تردد دائمی بودند تا مجروحین را به بیمارستان‌ها حمل کنند. بیمارستان‌ها از مجروحین

انباشته شد.

یک شب قبل از این حوادث سربازان غیر مسلح تلاش کرده بودند از میان جمعیت عبور کنند. همین صحنه در ساعت ۱۰ شب به تکرار شد. حرکت سربازان با مقابله مردم مواجه شد و تعداد زیادی از آنها مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و به این ترتیب این عملیات ناموفق ماند. در نقطه دیگری از شهر سربازان در مقابل تعداد کثیری از تظاهرکنندگان خشمگین که یک خودرو ارتشی را محاصره کرده بودند گاز اشک‌آور بکار بردند. در نیمه شب همان روز یک خودرو ارتشی که در حوالی هتل پکینگ بسرعت به درون جمعیت یورش برد در نزدیک میدان صلح آسمانی توسط مردم متوقف گشت و به‌آتش کشیده شد.

اما صحنه اصلی درگیری‌ها در غرب و جنوب شهر قرار داشت. واحدهای ارتشی قدم به قدم در برابر جنگ و گریز مردم به پیش می‌رفتند. بقیه در صفحه ۸

در این شماره

• اقدامات ضد دمکراتیک را

محکوم می‌کنیم

در صفحه ۲

• جمهوری اسلامی قاتل کودکان ما

در صفحه ۶

• مذاکرات آتی ایران و عراق درباره صلح

در صفحه ۱۲

• درگیری‌های قومی در ازبکستان

در صفحه ۹

• سیمای نوین دیپلماسی

در صفحه ۱۲

اقدامات ضد مکراتیک را محکوم می کنیم

مرگ ولی فقیه، مرگ ولایت فقیه

بقیه از صفحه اول

شورای ملی مقاومت است و آنهاییکه با شورا نیستند در خط خمینی هستند. بر اثر اختلال این افراد جلسه امکان ادامه نیافته است.

به دنبال واقعه شهر کارلسروهه از طرف گروهی از شخصیت‌های سیاسی، علمی و هنری ایرانی اطلاعاتی در محکوم کردن مسببین آن هواداران سازمان مجاهدین خلق صادر شد. در بخشی از این اطلاعات آمده است: «این اقدام ضد مکراتیک و نیز تهدید مخالفان به مرگ رویدادی تصادفی و بی اهمیت نیست، نمونه‌ای است از سیاستی تازه در مقابل نیروهای دیگراندیش اپوزیسیون ایران. سازمان مجاهدین و رهبری آن، در پی سال‌ها هتاک، شایعه پراکنی و برچسب زنی‌های لفظی و قلبی به شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی اپوزیسیون، اینک با اعلام اینکه دفاع بی قید و شرط از «ارتش آزادی بخش» و «عملیات فروغ جاویدان»، «صف انقلاب و ضد انقلاب را مشخص می‌سازد» جبهه جدیدی را علیه مخالفان خویش گشوده‌اند، که هدف فوری آن ارباب و از میدان به در بردن کسانی است که با چشم‌انداز دموکراسی، عدالت اجتماعی، استقلال و پیشرفت علیه جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و نه از تنگنای رقابت واپس‌گرایانه با خمینی بر سر قدرت».

اطلاعه‌یاد شده به امضای افراد زیر رسیده است:

دکتر سام آریاستام - یوسف احمدی - نادر اسکویی - رحیم‌اشرف - ضا‌اشکان - دانه اعلی‌نیا - دکتر بیژن افتخاری - محمد افتخاری - بهمن امیرحسینی - عظیم امیری - محمد امینی - حمید بحری - عمران براتی - دکتر منصور بیات‌زاده - دکتر یونس پارسا - بناب - فرامرز پاک‌زاد - نادر پور مجیب - دکتر موشنگ پرویزی - دکتر احمد تقوایی - خسرو توفیق - دکتر موه‌محمد شانیان - دکتر مجید ثقفی - پری جواهریان - فرزاد جلیلی - رضا چرندابی - دکتر علی اصغر حاج سیدجواد - ژاله حکیم‌نیا - نصراله حقیقت - رضا خورشید - مهدی خانابا‌تورانی - دکتر اسمعیل خونی - عباس راسخ - محمود راسخ - دکتر کامیاب روستا - سیروس رهبری - مجید زربخش - دکتر محمد سعادت - فرهاد سمنار - باقر شاد - محمد علی شکیبائی - مهدی شرفی - حمید شوکت - عباس شیرازی - دکتر علی شیرازی - فریدون ضاعی - دکتر احمد طاهری - دکتر ناصر طهماسبی - دکتر احمد طهماسبی - مسعود عالمی - مقصود فلاحي - بیژن نوادی - حمید کوثری - دکتر جواد کوروشی - دکتر منصور کیانزاد - دکتر ابراهیم کاکوان - حسن کریمی - دکتر علی گوشه - پریزادی - رامین مریانی - سیروس ملکوتی - حسن مولا - دکتر مرتضی محیط - منوچهر محبوبی - هما ناطق - سهیلا نسترلی - کاوه نیرومند - آرمیک یغظری

طی ماه گذشته از سوی هدهای از هواداران سازمان مجاهدین خلق در برخی کشورهای اروپایی اقداماتی صورت گرفته و مطالبی بیان شده است که بیم نسبت به اتخاذ تصمیمی تازه از سوی مسئولین این سازمان در نحوه برخورد با افراد دگراندیش و هواداران سازمان‌های دیگر را برانگیخته است. این حرکات، اقدام به برهم زدن دوشسته فرهنگی در برلین غربی و شهر کارلسروهه آلمان فدرال، یک کنسرت در شهر کلن آلمان فدرال و تهدید و تحریک در چند کشور دیگر را شامل می‌شود. تاکنون سازمان مجاهدین خلق در نشریات و ارگانهای تبلیغی خود سیاست بشدت خصمانه، غیرسیاسی و مخربی را در قبال سایر افراد و جریان‌های سیاسی بویژه آن نیروهایی که به نحوی این سازمان را مورد انتقاد قرار داده‌اند به پیش برده است اما این سیاست تاکنون غالباً در نشریات و ارگان‌های تبلیغی این سازمان بازتاب داشته و اقدامات همگی را شامل نمی‌شده است. گسترش این امر به انجام برخی اقدامات همگی نگرانی نسبت به اتخاذ تصمیمی تازه در این زمینه از سوی مسئولین این سازمان را پدید آورده است. ما ضمن محکوم کردن شدید این گونه اقدامات ضد دموکراتیک و هشدار نسبت به هواقب سو آن، به ذکر دومورد از اتفاقات برشمرده می‌پردازیم:

در روز یازدهم ماه مه به دعوت «مرکز گردهمایی بنامندگان» در شهر کارلسروهه آلمان فدرال، نشست با حضور هدهای از شعروندان و روشنفکران آلمانی برگزار شد. پیش از آغاز برنامه کتابخوانی توسط بهمن نیرومند عضو کانون نویسندگان ایرانی (در تبعید) تعدادی که خود را مجاهد معرفی می‌کرده‌اند، ضمن تهدید سخنران به مرگ در مقابل اعتراض حضار به زدوخورد با آنها پرداخته و متن سخنرانی و کتاب سخنران را پاره کرده‌اند.

در شهر برلین غربی نیز در تاریخ ۲۴ ماه مه در جلسه‌ای که به روال معمول و با شرکت نمایندگان سازمانها و شخصیت‌های مختلف انجام می‌شد، چند تن از افراد وابسته به سازمان مجاهدین شرکت کرده و با موضوع مورد بحث به مخالفت برخاسته و عنوان داشته‌اند که نماینده ایران فقط

کاندیداتوری بلامنازع رفسنجانی برای پست ریاست جمهوری، بر اساس مواضع کم و بیش نزدیک به هم این دو می‌توان یک پیشروی جدی را برای این جناح بمساب آورد. این پیشروی با انتخاب رفسنجانی به سمت ریاست جمهوری از آنجا که مطابق تصویب هیات بازنگری قانون اساسی اختیارات نخست‌وزیر نیز بر آن افزوده می‌شود، شکل قطعی‌تر و مادی‌تری به خود خواهد گرفت. رفسنجانی در اولین مصاحبه خمینی که راستاهای سیاسی، اقتصادی حکومت را توضیح می‌داد در این زمینه گفت: «ریاست قوه مجریه در کلیات شور اول تصویب شده که رئیس‌جمهور، رئیس قوه مجریه باشد. پست نخست‌وزیری هم حذف می‌شود و یا معاون رئیس‌جمهور تعیین می‌گردد. یا شاید مسئول کابینه از طرف رئیس‌جمهور انتخاب شود و باقی بماند».

هم تجربه و هم ارزیابی داده‌ها در مورد درگیری درون دایره قدرت در حکومت فقها نشان می‌دهد که پس از هر مرحله از جنگ قدرت، مدتی بعد جنگ در مقیاسی وسیع‌تر و با شدتی افزون تکرار می‌شود. حضور سران و کانون‌های پراهمیت که هریک بخشی از قدرت و امکانات را در اختیار گرفته‌اند، وجود یک رئیس‌جمهور پراختیار و یک رهبر در راس جمهوری اسلامی نمی‌تواند خودبه یکی از عوامل بحران را بدل نگردد. این عوامل بر زمینه بحران عمومی جامعه و تقابل تضاد کلیت نظام حکومتی با مردم و منافع آنان، هربار جنگ قدرت را به مداری تازه سوق داده و هربار شدیداً ارکان حکومت را بلرزه می‌اندازد اما از این پس به تأثیر یک عامل کیفی باید توجه ویژه داشت و آن اینکه عامل وحدت بخش جناح‌ها و اداکننده حرف آخر در زیر خاک خفته است.

کوشیدند با شتاب بخشیدن به تدارکات مربوط به تغییر قانون اساسی و رسمیت بخشیدن به جدایی مرجعیت از رهبری امر کنار گذاشتن ولایت رادر حیات خمینی تحقق بخشند تا بتوانند نفوذ سیاسی، ایمانی خمینی بر هوادارانش را پشتوانه اعتبار رهبر جدید قیر مرجع کنند اما اجل از برنامه‌ریزی رژیم پیشی گرفت و خمینی را به دیار هدم فرستاد. سران رژیم مجبور شدند بدون کمک ولی فقیه در این مسیر به‌سپردند. در شامگاه روز ۱۴ خرداد حجت الاسلام علی خامنه‌ای از سوی مجلس خبرگان به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی برگزیده شد. او پس از انتصاب به سمت رهبری یک رده ترنفع گرفت و به درجه آیت‌اللهی نایل آمد. خامنه‌ای تازه آیت‌الله شده که در کنار «آیات عظام و علمای اعلام» در مورد مرجعیت و اعتبار مذهبی محلی از اهراب برای خود نمی‌یابد و از نظر اعتبار سیاسی نیز برتری خاصی بر افراد هم‌موضع و یا بر سران دسته‌بندی مخالف نمی‌بیند خود نیز به وضعیت خود مطمئن نیست و انتخاب خود را موقت توصیف کرده است. شرایط کنونی و تعادل قوای موجود در دسته‌بندی‌های حکومتی انتخاب خامنه‌ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی را هینیت داده است. انتخاب خامنه‌ای به سمت رهبر جمهوری اسلامی آغاز پایان یک دور از جنگ قدرت در حکومت را نیز نشان می‌دهد. اگر مساله اصلی مرحله کنونی جنگ قدرت در حکومت را دسته‌بندی حول تعیین راستاهای همومی اقتصادی جمهوری اسلامی پس از جنگ، نحوه رابطه با غرب، حد بنیادگرایی و حزب‌الله مآبی در روابط خارجی، حد تأثیر و نظارت دولت در بازرگانی و دیگر امید اقتصادی و رابطه بینادگرایی و پراگماتیسم در چارچوب نظام جمهوری اسلامی بدانیم می‌توان گفت با انتخاب خامنه‌ای به سمت رهبری جمهوری اسلامی و

بقیه از صفحه اول

بخش‌هایی از وصیت‌نامه خمینی

می‌خورد تبلیغات دامنه‌دار... به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در حال حاضر کشور را اداره کند و یا اینکه اسلام یک دین ارتجاعی است... این دعوی به مثابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و بجای آن قواعد دیگری نشانده شود... خمینی در ادامه این بخش از وصیت‌نامه خود نوشته است: «و از همین قماش توطئه‌ها و شاید موزیانه‌تر شایعه‌های وسیع در سطح کشور و در شهرستان‌ها بیشتر بر این که جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد، بیچاره مردم با آن شوق و ضعف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت رهایی یابند گرفتار یک رژیم بدتر شدند. زندان‌ها پر از جوانان که امیدآتیه کشور است می‌باشند و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیرانسانی‌تر است. هر روز عده‌ای را اعدام می‌کنند... اموال مردم مصادره می‌شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده و بسیاری دیگری از این قبیل امور که با نقشه اجرامی شود و دلیل آن که نقشه و توطئه در کار است، آن که هر چند روز یک‌بار در هر گوشه و کنار و در هر کوی و برزن سر زبان می‌افتد در تاکسی‌ها همین مطلب واحد و در اتوبوس‌ها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می‌شود و یکی که قدری گفته شد یکی دیگر معروف می‌شود.

در اینجا گویی خمینی، جانشین سابقش منتظری را مد نظر قرار داده نوشته است: «مع الاسف بعضی روحانیون که از حیل‌های شیطان‌بی‌خبرند با تماس یکی دو نفر از عوامل توطئه گمان می‌کنند مطلب همان است... خمینی در ادامه وصیت‌نامه خود در دفاع از آدمکشی بی‌حد جمهوری اسلامی نوشته است: «به جای گروه‌های آشوبگر و تروریست‌های منسود و طرفداری غیرمستقیم از آنان توجهی به ترورشدگان از روحانیون مظلوم تا خدمتگزاران متعهد مظلوم داشته باشید.»

خمینی در بخش دیگری از وصیت‌نامه خود به دانشگاه‌ها و ضرورت پیوند بین دانشگاهیان و طلاب و حوزه‌ها پرداخته و بر سیاست ارتجاعی تصفیه دانشگاه تاکید کرده نوشته است: «و مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا

شد که می‌خواهد انحراف ایجاد کند او را ارشاد و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است و هر دو قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید مواظب توطئه‌ها باشند.»

در ادامه وصیت‌نامه خمینی به حمله به «فرهنگ بیگانه و وارداتی غربی و شرقی» پرداخته و سپس وصایای خود به نمایندگان مجلس و نحوه تعیین آنان را ابراز کرده است. او حد آزادی‌های سیاسی در جمهوری اسلامی را تعیین کرده است: «باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواست

هناصرتنصرنی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد.»

خمینی در بخش دیگری از وصیت‌نامه خود پس از توصیه‌هایی در مورد مجلس خبرگان و ضرورت هر چه بیشتر جاری شدن قضاوت اسلامی در سراسر کشور در مورد سمت و سوی سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی رهنمودهای مشخص‌تری ارائه داده. نوشته است: «می‌دانیم که قدرت‌های بزرگ و چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی بصورت‌های مختلف از ملی‌گراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسان‌ترند ذخیره دارند که گاهی سی‌چهل سال با مشی اسلامی و مقدس‌مآبی یا پان‌ایرانیسم و وطن‌پرستی و حیل‌های دیگر با صبر و بردباری در میان ملت‌ها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هایی از قبیل مجاهد خلق و فدایی خلق و توده‌ای‌ها و دیگر

هناوین دیده‌اند و لازم است همه با هشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند... خمینی باردیگر با اختصاص بخش بزرگی از وصیت‌نامه

خود به دانشگاه و مراکز آموزش عالی و اینکه «همه بدبختی ما از دانشگاه است» کتبه خود از دانش و دانشگاه را به نمایش گذاشته. او در پایان این بخش نوشته است: «اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از جنگال جنایتکاران خارج شده و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتب‌های انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاه‌ها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید...»

اختیار از دست نرود و وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند...»

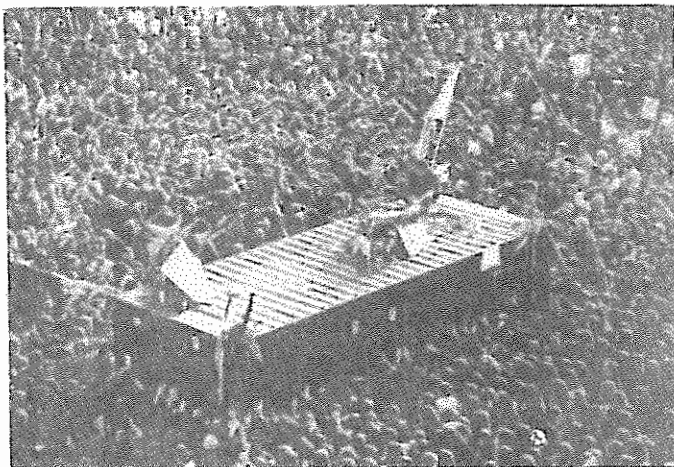
خمینی پس از ارائه وصایایی به ارتش و سپاه و در زمینه رادیو و تلویزیون و سینماها و تاترها تاکید کرده است که: «از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است بطور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول می‌باشند و مردم و جوانان حزب الهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاه‌های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند خودشان مکلف به جلوگیری هستند...»

خمینی جلد که مسئولیت

کشتار هزار تن از فرزندان مبارز خلق برهمه اوست در بخش بعدی وصیت‌نامه خود به «گروه‌ها و گروهک‌ها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کند» پرداخته است. او نوشته است... (شما) به هیان می‌بینید که حکومت و رژیم فعلی با جان و دل در خدمت خلق و مستجندان هستند و آنان که به دروغ ادعای خلقی بودن و مجاهد و فدایی برای خلق می‌کنند با خلق خدا به دشمنی برخاسته و شما پسران و دختران ساده‌دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب جهان‌خوار به بازی گرفته‌اند).

خمینی این نماینده اندیشه هزار ساله کهنه و پوسیده خطاب به نیروهای چپ در ادامه وصیت‌نامه خود نوشته است: «وصیت من به چپ‌گرایان مثل کمونیست‌ها و چریک‌های فدایی خلق و دیگر گروه‌های متمایل به چپ آن است که شما بدون بررسی صحیح از مکتب‌ها و مکتب اسلام، نزدکسانی که از مکتب‌ها و خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند، با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آوردید و چه شده که دل خود را به چند «ایسم» که محتوای آنها پیش اهل تحقیق پوچ است، خوش کرده‌اید... خمینی بزرگترین جنایتکار تاریخ ملت ایران خطاب به نیروهای انقلابی در ادامه وصیت‌نامه خود و قبحانه نوشته است: «چه جنایت‌ها که نکردید و شما طرفدار خلق محروم می‌خواهید خلق مظلوم و محروم ایران را به دست دیکتاتوری

بقیه در صفحه ۷



سران حکومتی از امت حزب الله خواسته‌اند تا به حساب بانکی معینی برای ساختن محوطه قبر خمینی پول واریز کنند، آنها می‌خواهند کعبه دیگری به همان شکل بنا کنند

توافق دولت‌های ایران و ترکیه

از فعالیت گروه‌های اپوزیسیون ایرانی مذاکراتی صورت داده است. در همین ارتباط به‌شارتی در طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که دولت ترکیه برخورد ضعیفی با گروه‌های اپوزیسیون ایرانی در این کشور داشته است. وی اضافه نمود: دولت ترکیه نباید اجازه دهد که خاک این کشور به مرکز فعالیت‌های این گروه‌ها علیه حکومت اسلامی بدل شود.

در این مذاکرات همچنین دو طرف به قطع انتشار مقالات توهین‌آمیز علیه یکدیگر به توافق رسیدند و انتشار این مقالات را هکس‌العلمی منطقی در پاسخ به حملات طرف دیگر تلقی کردند. به‌شارتی در زمینه نشر مقالات توهین‌آمیز علیه «اتاتورک» در رسانه‌های ایران گفت: ... به‌طور طبیعی اگر کسی مقدسات ما را مورد توهین قرار دهد با هکس‌العلمی مواجه خواهد شد. در همین ارتباط «کاندمیر» گفت: طرفین بر سر این موضوع که روابط باید بر اساس احترام متقابل باشد حسن تفاهم دارند.

تشکیل جلسه شورای بازنگری
قانون اساسی

روز چهارشنبه هفته گذشته هجدهمین جلسه شورای بازنگری قانون اساسی تشکیل شد. در این جلسه گزارش کمیسیون مسائل رهبری، در مورد رهبری و خبرگان رهبری مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. در این جلسه به هلت اختلاف بر سر اصول و موازین در زمینه امر رهبری و خبرگان رهبری، رای‌گیری به روی گزارش کمیسیون به عمل نیامد و ادامه بحث و گفتگو و رای‌گیری بر روی گزارش کمیسیون به جلسه بعد موکول شد.

گسترش دستگاه اطلاعاتی حکومت

رحمانی معاون وزیر کشور و رئیس سازمان ثبت احوال در روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ضمن هشدار به اتباع خارجی اعلام کرد برپایه مصوبات شورای امنیت اتباع خارجی که قبل از احراز تابعیت ایران، خود را ایرانی قلمداد کرده و موجب تنظیم سند سجلی گردند به سه ماه تأیید سال حبس محکوم خواهند شد.

وی در این سخنان ضمن تشریح نیاز حکومت و دستگاه‌های اجرایی کشور به یک واحد اطلاعات عمومی افزود: با آغاز به کار این واحد اطلاعات در طول سال جاری روزانه ۴۵۰ نفر از متولدين ۱۳۶۸ به بعد در سراسر کشور شناسنامه جدید دریافت خواهند کرد که شماره این شناسنامه‌ها نمایانگر شماره مربوط به اطلاعات عمومی فرد می‌باشد و با این شماره کلیه سازمانها، وزارتخانه‌ها و یادستگاه‌های اجرایی در هر نقطه از کشور که سیستم کامپیوتری پایگاه اطلاعات جمعیتی کشور را دارا باشند، می‌توانند اطلاعات مربوط به فرد مذکور را دریافت نمایند. نامبرده در ادامه گفت از متولدين قبل از ۱۳۶۸ نیز به ترتیب اطلاعات مربوطه دریافت خواهد شد.

علی اکبر به‌شارتی قائم مقام وزیر امور خارجه که جهت آشنایی حکومت اسلامی با حکومت ترکیه به این کشور سفر کرده بود بعد از پایان مذاکراتش با هیات سیاسی دولت ترکیه، همراه با «نزهت کاندمیر» قائم مقام وزارت خارجه این کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت جست.

به‌شارتی در پایان مذاکرات بین هیات‌های ایران و ترکیه در روز ۶ خرداد اعلام کرد که ملاقات هادر محیطی بسیار سازنده و مثبت انجام گرفت و باردیگر اراده هر دو کشور را برای تقویت هر چه بیشتر مناسبات دو جانبه اعلام شد. در همین ارتباط قائم مقام وزارت خارجه ترکیه نیز ضمن مثبت توصیف کردن مذاکرات هیات‌های دو طرف گفت: به اعتقاد ما دو کشور بر سر رفع برخی مسائل که موجب بروز سردی در روابط فی‌مابین بود به توافق کامل دست یافته‌اند.

به‌شارتی در این مصاحبه مطبوعاتی افزود که بزودی سفیر جدید ایران به جای منوچهر متکی معرفی خواهد شد. «نزهت کاندمیر» نیز گفت: «همراک بل» سفیر فعلی ترکیه در تهران که اوایل فروردین ماه گذشته در پی تیرگی مناسبات دو کشور به آنکارا فرارخوانده شده، طی ده روز آینده به تهران باز خواهد گشت.

به‌شارتی در طی اقامت خود در ترکیه با تورگوت اوزال نخست وزیر این کشور مذاکراتی پیرامون جوانب مختلف مناسبات دو حکومت انجام داده است. چنانکه خود به‌شارتی اعلام داشته در مذاکرات با نمایندگان سیاسی حکومت ترکیه علاوه بر گفتگو پیرامون مناسبات تجاری و اقتصادی هیات نمایندگی ایران با نمایندگان حکومت ترکیه برای

افزایش سهمیه نفت ایران در اوپک

بعد از نشست اخیر وزرای نفت عضو اوپک که به اجلاس ۸۵ معروف بود اعلام شد که سهمیه نفت ایران در اوپک روزانه ۱۴۳ هزار بشکه افزایش می‌یابد. بر پایه تصمیم اخیر وزرای نفت ۱۳ کشور عضو اوپک، سهمیه نفت ایران به ۲ میلیون و هفتصد و هشتاد و سه هزار بشکه در روز افزایش می‌یابد.

اجلاس ۸۵ اوپک روز دوشنبه کار خود را در وین آغاز کرد. بر پایه نظریات اعلام شده از سوی وزرای نفت برخی از کشورهای عضو اوپک در زمینه سقف تولیدی این سازمان و قیمت پایه نفت خام، در آغاز جلسه اختلاف شدیدی در بین اعضا وجود داشته است. در این نشست، «لقمان» وزیر نفت نیجریه و «البوسینا» وزیر نفت الجزایر به ترتیب به ریاست و معاونت ریاست جلسات اوپک انتخاب شدند.

در این اجلاس هم عربستان و هم کویت پیشنهادهای خود را در زمینه افزایش سهمیه رسمی اسپیس گرفتند و این به پیشرفت مذاکره وزرای نفت کشورهای عضو کمک کرد. در زمینه سقف پیشنهادی تولید نفت بنابر اطلاعات منتشره «لقمان» وزیر نفت نیجریه پیشنهاد سقف تولید ۲۰ میلیون بشکه در روز را برای نیمه دوم سال جاری مطرح ساخته بود. در همین زمینه آقازاده وزیر نفت حکومت اسلامی ضمن موافقت خود گفت: هر مقدار سقف تولید اضافه شود بایستی بر اساس درصدهای کنونی اعضا بین آنها تقسیم شود. اجلاس ۸۵ اوپک روز چهارشنبه بر اساس توافق پیرامون سقف تولید ۱۹/۵ میلیون بشکه در روز به قیمت مرجع ۱۸ دلار با صدور قطعنامه‌ای که به امضاء ۱۳ کشور حضور سیده بود به کار خود پایان داد.

گفته می‌شود این سقف تولید بر اساس درصد سهمیه کنونی اعضا بین آنها تقسیم می‌شود. در قطعنامه پایانی این اجلاس از کلیه اعضا خواسته شده است که به سهمیه‌های تعیین شده به‌طور جدی پایبند باشند.

در این اجلاس وزرای نفت اوپک توافق کردند همچنان به کنترل سهمیه تولید تعیین شده اعضا ادامه دهند.

ضمناً قرار شد کمیته نظارت در اجلاس آتی ماه سپتامبر خود، ضمن بررسی نیاز بازار، پیشنهاد افزایش سقف تولید به سطح روزانه ۲۰ میلیون بشکه و یا بیشتر را ارائه دهد.

بر پایه توافق اجلاس اخیر سقف تولیدی نفت کشورهای عضو بر اساس سقف تولید جدید روزانه بدین قرار اعلام گردید:

ایران ۲ میلیون و ۷۸۳ هزار بشکه، عراق ۲ میلیون و ۷۸۳ هزار بشکه، کویت ۱ میلیون و ۹۳ هزار بشکه، عربستان ۴ میلیون و ۷۶۹ هزار بشکه، نیجریه ۱ میلیون و ۴۲۸ هزار بشکه، اندونزی ۱ میلیون و ۳۵۷ هزار بشکه، امارات متحده عربی ۱ میلیون و ۴۱ هزار بشکه، ونزوئلا ۱ میلیون و ۷۲۴ هزار بشکه، لیبی ۱ میلیون و ۹۳ هزار بشکه، قطر ۳۲۹ هزار بشکه، گابن ۱۷۵ هزار بشکه، اکوادور ۲۴۲ هزار بشکه و الجزایر ۸۳۲ هزار بشکه.

بقيه از صفحه آخر

پس از مرگ خمینی

و داخلی آنان "مشدار داد".
- ارتش و سپاه طی اطلاعیه مشترکی ضمن اعلام وفاداری به رفسنجانی به عنوان "جانشین فرمانده کل قوا" برای سرکوبی هرگونه حرکت مخالف اعلام آمادگی نمودند.
در همین ارتباط جامعه روحانیت مبارز تهران، دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه، دفتر تبلیغات اسلامی و کلیه نهادهای ریز و درشت حکومت و کلیه وابستگان حکومتی هر یک به نحوی اطلاعیه صادر نمودند.

- عصر روز یکشنبه مجلس خبرگان با حضور چهار پنجم اعضای خود تشکیل جلسه داد. در این جلسه خامنه‌ای ضمن دارا شدن عنوان "آیت الله" به رای دوم اعضای حاضر به رهبری جمهوری اسلامی منصوب شد. خامنه‌ای بعد از انتصاب اعلام کرد که انتخاب وی به سمت رهبری حکومت ممکن است موقت باشد.
- جنازه خمینی ابتدا به مصلای تهران منتقل شد و بعد از آن به سردخانه منتقل گردید تا برای دفن به گورستان "بهشت زهرا" منتقل شود.
- در جلسه فوق العاده روز ۱۴

خرداد مجلس خبرگان وصیت نامه خمینی که قرار بود توسط احمد خمینی قرائت شود، به همت فبیبت وی توسط خامنه‌ای قرائت گردید. بعد از اعلام رهبری حکومت اسلامی توسط خامنه‌ای مسئولین و سران حکومتی و نهادهای آن هر یک به ابراز وفاداری با خامنه‌ای پرداختند.
* روز دوشنبه احمد خمینی بعد از منصوب شدن خامنه‌ای توسط مجلس خبرگان به سمت رهبری طی نامه‌ای به وی اعلام کرد: "مام بارها از جناب عالی به عنوان مجتهد مسلم و نیز بهترین فرد برای رهبری نظام اسلامی نام می‌بردند" وی در ادامه لازم الاجرا بودن اوامر خامنه‌ای را وظیفه خود دانست.
شورای نگهبان طی اطلاعیه‌ای اطاعت از رهبری خامنه‌ای را شرعاً و قانوناً لازم دانست.
ارتش و سپاه پاسداران نیز با انتشار اطلاعیه مشترکی با خامنه‌ای بیعت کردند. ضمناً هر یک از فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش، فرمانده بسیج سپاه پاسداران، محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران، وزیر سپاه و وزیر دفاع نیز با خامنه‌ای اعلام وفاداری کردند.

* روز سه شنبه جسد خمینی جهت دفن به گورستان "بهشت زهرا" برده شد.
هم در "مصلای تهران" و هم در گورستان "بهشت زهرا" گلیایگانی بر جنازه خمینی نماز خواند. گفته می‌شود در جریان مراسم عزاداری و به خاک سپاری خمینی تعدادی کشته و بیش از ۱۱ هزار نفر زخمی شده‌اند.
* روز پنجشنبه همدای از پاسداران و فرماندهان سپاه و شمعانی وزیر سپاه با یک راهپیمایی وفاداری خود را به خامنه‌ای اعلام کردند. خامنه‌ای در جمع آنها ضمن تاکید بر اهمیت نقش سپاه در سرکوب مخالفان حکومت گفت: "اگر ما سپاه‌ناشدیم باید آن را امروز بوجود می‌آوردیم." وی افزود: "بعد از پذیرش قطعنامه بطور ناگهانه و بدخواهانه مزه‌مزه‌هایی در مورد مبهم بودن سر نوشت سپاه به گوش می‌رسید، ما در اینجا به مسئولان سپاه می‌کنیم بسیار نابخردی است که مسئولان مطمئن ترین بازوی قدرتمند نظام را از دست بدهند یا آن را تضعیف کنند." این سخنان خامنه‌ای به عنوان رهبر حکومت در حالی بیان شد که در جلسه ۲ خرداد مجلس اسلامی انحلال وزارت سپاه و تشکیل "وزارت

دفاع" نیز پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی" به تصویب رسیده بود.
- صبح پنجشنبه یک مصاحبه مطبوعاتی وسیع توسط رفسنجانی با رسانه‌های خارجی صورت گرفت. رفسنجانی در این مصاحبه به تشریح سیاست‌های داخلی و خارجی ایران بعد از مرگ خمینی پرداخت.
- در روز پنجشنبه توسط وزیر جهاد سازندگی اعلام گردید که طرح موقتی برای محوطه‌سازی قبر خمینی توسط هیئت دولت به تصویب رسیده است. فعلاً محوطه قبر خمینی به سه برابر افزایش یافته است. این کار از طریق برپایی کانتینرهای فلزی صورت گرفته است. از طرف دیگر احمد خمینی اعلام کرد که جهت ساختن محوطه قبر خمینی حساب بانکی افتتاح شده است که امت حزب الله بتواند برای احداث این محوطه وجوه مالی خود را واریز نمایند. گفته می‌شود محوطه قبر خمینی را قرار است مشابه "کعبه" برپا نمایند.
- بر طبق اخبار رسیده تهران و سایر شهرستان‌ها به سرعت چهره هادی خود را باز می‌یابند و روال هادی کار و زندگی از سر گرفته می‌شود. بلندگوهای تبلیغاتی رژیم نیز کمتر میل و رغبت به ادامه سرو صدا پیرامون مراسم عزاداری خمینی نشان می‌دهند.

مذاکرات آتی ایران و عراق درباره صلح

بقيه از صفحه آخر

بهران اقتصادی - اجتماعی به طرح ادعاهای خود در مقابل هیئت ایرانی پرداخت.
بعد از شکست دور چهارم مذاکرات اردیبهشت ماه گذشته طارق مزیز در توجیه مواضع خود در بغداد اعلام داشت: هیئت ایرانی به همت بهران داخلی و رقابت‌های درونی سران حکومت اسلامی فاقد اختیار کلی برای تصمیم‌گیری در مذاکرات بوده است.
دور جدید مذاکرات صلح که طبق مطالب اعلام شده در پایان نشست قبل قرار است در اوایل تیرماه جاری برگزار شود، در شرایطی تدارک دیده می‌شود که در ایران تحول سیاسی بزرگی رخ داده است. اکنون خمینی که در تدوین و تنظیم سیاست حکومت اسلامی نقش اصلی را داشت و در

در قطعنامه پایانی این اجلاس بندی به تصویب رسید که به موجب آن حق یگانه حاکمیت رژیم هراق بر "شط العرب" به رسمیت شناخته شده است. این اجلاس متأسفانه با تصویب بند فوق هملا عدم توانایی در درک مسئولیت خود پیرامون اختلافات و مناقشات مرزی دو کشور همسایه ایران و هراق رایان داشت.
اهلام این پشتیبانی، رژیم هراق را در طرح ادعاهای خود مبنی بر حق حاکمیت یگانه بر "شط العرب" و ادامه اشغال برخی از اراضی کشور ما مصرتر ساخته و این به نوبه خود به روند مذاکرات آتی و پیشبرد قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل آسیبی جدی خواهد رساند.
با وجود اینکه هر دو رژیم تهایل خود را به حل اختلافات سیاسی فی‌مابین کتمان نمی‌کنند ولی هلی‌رغم این، هر دو طرف همچنان از اقدامات تحریک‌آمیز

هلیه یکدیگر دست برنداشته و به اقدامات متقابل جویانه می‌پردازند. بعد از مرگ خمینی رژیم هراق اعلام داشت که خواهان حل اختلافات می‌باشد، اما در این اظهار نظر هیچ‌گونه دلیلی دال بر عقب‌نشینی هراق از مواضع اعلام شده قبلی وجود ندارد.
حکومت اسلامی نیز هلی‌رغم ابراز تمایل خود به انجام مذاکره و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، بر پایه موضع گیرهای سران حکومتی نشان می‌دهد که هنوز از گذشته تجربه نیا ندوخته است و قصد مداخله در امور داخلی دیگران را پنهان نمی‌سازد. در همین رابطه خامنه‌ای بعد از انتصاب به رهبری حکومت اسلامی در دیدار با جمعی از گروه‌های هراتی تصمیم به کمک جمهوری اسلامی برای سرنگونی حکومت مرکزی در هراق را اعلام داشت.

تنظیم مناسبات جناح‌های درون حکومتی و ایجاد توافق در بین آنها هدایت‌گر اصلی بود، در قید حیات نیست. در شرایط نبود خمینی و با توجه به همان بحران‌ها و اختلافات حاد درون حکومتی طبعاً شرایط سیاسی ایجاد شده بعد از مرگ خمینی به سود ایران عمل نخواهد کرد؛ بویژه اگر موقعیت سیاسی طرفین در منطقه مورد بررسی قرار گیرد. رژیم هراق با کسب حمایت و پشتیبانی کشورهای منطقه به لحاظ سیاسی در موقعیت برتری قرار گرفته است. اهلام پشتیبانی اجلاس فوق العاده سران کشورهای عرب در کازابلانکا که به شکلی غیرمسئولانه به حمایت از درخواست رژیم هراق مبتنی بر حق حاکمیت این رژیم بر آبهای اروندرود و "شط العرب" پرداخته به شکل‌گیری وضعیت جدیدی انجامیده است.

چرا آناهیتا خودکشی کرد؟

آناهیتا در کلاس دوم راهنمایی یکی از مدارس منطقه ۶ تهران درس می خواند و در یک خانواده ۵ نفره زندگی می کرد. پدرش پزشکی متخصص، مادرش تحصیل کرده، یک برادرش محصل کلاس دوم نظری و برادر دیگرش دانشجوی سال دوم پزشکی است. آناهیتا از نظر درسی خیلی با استعداد بود. با همان سن وسال کمش، خیلی خوب نقاشی می کرد. او نمونه کودکان با استعداد، پرشور و پراحساسی بود که

"وقتی به پائین رفتم، جمعیتی را نزدیک قنادی دیدم. مردم می گفتند یکی خودش را از طبقه ششم پرت کرده است. اصلاً فکر نمی کردم آناهیتا است. ولی وقتی نزدیک شدم با حادثه ای روبرو شدم که هیچ لحظه ای یادم نمی رود. دیگر نفهمیدم چه شد. فقط فریاد می زدم و به مردم می گفتم این دختر من است... خلاصه آناهیتا مرد و از دست مارفت. شب همان روزی که اورا تساعت یک و نیم سرپا نگهداشته بودند به برادرش گفته بود که دیگر خسته شده و می خواهد خودش را بکشد، چون کاپشن سبز می پوشد ایراد می گیرند، چون کفش می پوشد ایراد می گیرند... آناهیتا وقتی نفهمید اخراج شده است به دوستش گفته بود که می خواهد خودکشی کند."

این، روایت مرگی است جانگزا؛ مرگ کودک ۱۳ ساله آناهیتا شریفی، از زبان مادر دافدیده اش.

در "اکثریت" شماره ۲۵۸ خبر خودکشی آناهیتا را درج کردیم. اما از آنجا که مرگ این دانش آموز نمونه ای از جنایت های بی شماری است که در نظام آموزشی جمهوری اسلامی اتفاق می افتد؛ از آنجا که شناخت چگونگی این واقعه دردناک، زوایای تازه ای از فاجعه ای را که آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در ایران پدید آورده آشکار می کند، به درج گزارش مفصلی از این واقعه می پردازیم.

پس از انتشار خبر مرگ دلخراش آناهیتا شریفی، مسئولین "آموزش و پرورش" رژیم ارتجاع، به شیوه های گوناگون، از جمله با درج مقالاتی در نشریات جمهوری اسلامی کوشیدند تا مسئولیت جنایتی که خود مسبب اصلی آن بودند شانه خالی کنند و گناه را به گردن خانواده این کودک بیندازند. اما علیرغم اینگونه تلاشها، از آنجا که فشار وحشتناک حاکم بر مدارس و بویژه مدارس دخترانه بر کسی پوشیده نیست، آنچه در نشریات در این باره نوشته شد، تنها ذهن مردم را متوجه ابعاد و ریشه های این واقعه دردناک کرده است.

مادر آناهیتا را به مدرسه می خوانند. از مادر آناهیتا می شنویم:

"...اول به دفتر خانم ناظم رفتم و بعد به اتفاق به دفتر مدیر مدرسه رفتیم... بعد مسئولین مدرسه از فساد گفتند و اینکه بچه ها فاسد می شوند و این مسئله، شروع خیلی کارهای دیگر است... با شنیدن این حرف ها هيجان به من دست داد. حالم به هم خورد. افتادم... بعد بچه ها را صدا کردند و پرونده ها را در آوردند و از ما رسید گرفتند... آناهیتا وقتی نفهمید

جمهوری اسلامی
قاتل کودکان ما

اخراج شده حالش دگرگون شد و رفت..."

آناهیتا، کودک ۱۳ ساله ای که به گفته مدیر و ناظم مدرسه و به گفته پدرش کودکی مستقل، باهوش و با استعداد بود، تاب تحمل این خشونت ها و بیدادگری ها را نداشت. "آناهیتا وقتی نفهمید اخراج شده حالش دگرگون شد و رفت..." حالش از این موجوداتی که نام مربی برخورد نهاده اند، از این مکانی که بر آن نام مدرسه و آموزشگاه گذارده اند، از این محدودیت ها، از مقنعه های زمخت و بدرنگ، از روپوش تیره رنگ، از مسئولین اخمو و خشن، از دروغ، از تهمت، از بی اساسی،

بی احساسی، بی هاضمگی... از همه اینها حالش به هم خورد و رفت. وقتی مدرسه را ترک می کرد شاید در فکر آن چیزی بود که به برادر بزرگترش گفته بود: "در مدرسه اذیتم می کنند، از بعد از عید هر روز اذیتم می کنند. یک روز می گویند چرا لباس است این طور است، یک روز می گویند چرا کفش است این طور است؟" آناهیتا شاید به ارباب ها، به تغشیش ها و به توهین هایی که به خودش و همکلاسی هایش شده بود می اندیشید که اینگونه دگرگون شده بود. از پدرش می شنویم:

"رفتار او به گونه ای بود که ما فکر می کردیم کمی برایش بزرگ است. واقعا آگاهی بیش از حد و احساس فوق العاده ای داشت. او زندگی را دوست می داشت و من نمی دانم چگونه توانست پیوندش

را باز زندگی قطع کند... آنچه مسلم است فشاری که در این جابرجه ها وارد شده، حالت طفیانی را در او بوجود آورده است."

طفیان آناهیتا، طفیان علیه نظام ارتجاعی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی بود. طفیانی که از چنان فشار وحشتباری، مرگی چنین دردناک رادری داشت.

نظام سیاسی ارتجاعی و سرکوبگر، آموزش و پرورش ارتجاعی و سرکوبگر را می طلبد و در واقع تنها چنین نظام آموزش و پرورش می توان جامعه ای را آماده پذیرش سرکوب و ارباب کرد. این تمامیت آموزش و پرورش ارتجاعی است و در این تمامیت تردیدی نمی باید داشت. اما بهتر است شیوه های ارباب و خشونت در مدارس را از دریچه اعتراضات مسئولین آموزش و پرورش که طی مصاحبه هایی در نشریات جمهوری اسلامی به عمل آورده اند بشناسیم:

ارباب، از پایه های
نظام آموزش و پرورش

در مدارس جمهوری اسلامی بجز آموزش های فقهی و "اخلاقی"، متحجر همه حکایت از ترس از "معصیت"، ترس از روز قیامت، ترس از جزای الهی و... دارد. در امر تربیت یکی از مهم ترین اهرم ها توسل به ترساندن و ارباب دانش آموزان است. به گفته های مسئولین آموزش و پرورش توجه کنید:

"معمولاً در سال اول راهنمایی بچه ها مشکلی ندارند. چون شدیداً از خانواده می ترسند و هنوز همان حالت های بچگانه را دارند. ولی سال دوم زبان بازی کنند چون در تابستان یک مقدار تغییر و تحول پیدا می کنند."

از نظر این مسئولین، بچه نباید زبان باز کنند. بچه باید دائماً از مدرسه و از محیط ترسد. در نظام متحجر آموزش ارتجاع، با بچه نمی توان حرف زد، باید او را تنبیه کرد، باید او را به اخراج تهدید کرد تا "اصلاح" شود. توجه کنید:

"... با بچه که نمی شود حرف زد. همه این کارها برای اصلاح بچه است و جنبه تنبیهی دارد. اخراج یک روزه هم داریم. به مادر می گوئیم بچه را به خانه ببر و فردا بیا و بگو که پشیمان شده، معلمین هم واسطه می شوند..."

بخش‌هایی از وصیت‌نامه

بقيه از صفحه ۳

شوروی دهید. چنین خیانتی را با سرپوش فدایی خلق و طرفدار محرومین در حال اجرا هستید؟
خمینی در بخش دیگری از وصیت‌نامه‌اش نوشته است: «وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس‌جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بود و تحت تأثیر تبلیغات بی‌محتوای قطب ظالم چپ‌اولگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشود و به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه و فعالیت سازنده به کار افتد.»
خمینی در ادامه وصیت‌نامه خود به ارائه رهنمود به مسلمانان جهان برای انقلاب جهانی اسلام پرداخته است.

وصیت‌نامه خمینی تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۶۱ (هفت سال پیش) را به زیر خود دارد. این در حالی است که در آخر سال ۶۶ تحریر مجدد وصیت‌نامه خمینی اعلام شده بود.

خمینی در پایان وصیت‌نامه خود چند تذکر را افزوده است که عبارت است از:

۲ - اشخاص در حال حیات من ادا نموده‌اند که اعلامیه‌های این جانب را می‌نوشته‌اند این مطلب را شدیداً تذکیر می‌کنم تاکنون هیچ اعلامیه‌ای را غیر شخص خود تهیه نکرده است.

۳ - از قرار مذکور بعضی ادا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده این دروغ است من پس از بازگرداندم از کویت با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود. آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود.

من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه سالوس و اسلام‌نمایی بعضی افراد که ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام که بعد فهمیدم از دغل‌بازی آنان اقبال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایانند و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود و میزان در هر کس حال فعلی او است.

بیشتر خواهند شد.
«در بعضی مدارس آنقدر دیکتاتوری هست که حدی ندارد. ولی در این مدرسه ...»
«من حتی وقتی شاگرد را در دفتر مدرسه می‌گذارم، از خدمتگزار می‌خواهم که مراقبش باشد.»

... و این فضای مسمومی است که کودکان و نوجوانان ما در مدارس جمهوری اسلامی تنفس می‌کنند.

محیطی که نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی برای کودکان ایجاد کرده، فضای مرگ و دل‌مردگی است که نه تنها استعدادی در آن پرورده نمی‌شود، بلکه استعدادهایی که حاصل تربیت‌های خانواده‌هاست در آن می‌پژمرد. آن‌ها شریفی فقط نمونه‌ای از کودکان با استعدادی است که در چنگال اهریمنی نظام آموزش و پرورش ارتجاعی، هر روز با تفتیش، توهین، تحقیر و تنبیه مواجهند.

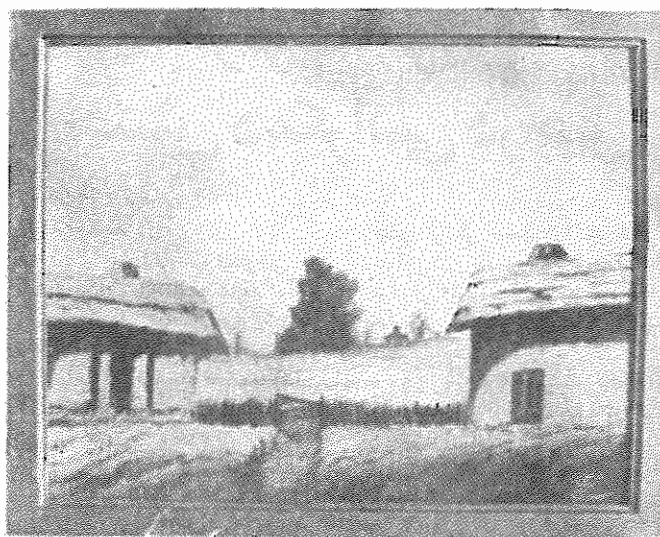
آیا مسئولین آموزش و پرورش از این واقعۀ اسفبار، از جنایتی که مرتکب شده‌اند حتی ذره‌ای به خود آمده‌اند؟ پاسخ این سوال را در پاسخی که یکی از همین مسئولین آموزش و پرورش تهران به یک خبرنگار داده جستجو کنید: پرسش: «آیا در نکران اگرهایی در جلوگیری از حادثه‌ای که اتفاق افتاد وجود دارد؟»

پاسخ: «روزهای اول در ذهنمان اگرهایی مطرح بود. ولی یکی از مسئولین به ما گفت به قول امام جعفر صادق نباید اگر اگر کنید.»

پرسش: «آیا این حادثه از این به بعد در نحوه رفتار شما با دانش‌آموزان تغییری ایجاد خواهد کرد؟»

پاسخ: «خیر، گمان نمی‌کنم. چون ما متعصب نبوده‌ایم.»

نه! در مسئولین این نظام و در روش‌هایشان تغییری به وجود نخواهد آمد. این رانه به گمان که به یقین باید گفت. به یقین این مجریان نظام فاسد و ارتجاعی آموزش و پرورش اصلاح‌پذیر نیستند. نظام سیاسی سرکوبگر، نظام آموزش و پرورش مبتنی بر خشونت، احتکار و سوکوبگری می‌خواهد. هم از این روست که چاره مشکلات ریشه‌ای در آموزش و پرورش را تنها باید در سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی جستجو کرد.



این تابلو رنگ روشن را آن‌ها شریفی هنگامی که یازده سالش بود کشیده است. تنها از همین تابلو می‌توان فهمید که این کودک چه استعداد درخشانی داشت. او اگر در یک نظام آموزشی سالم پرورش می‌یافت، به زودی شاید هنرمندی صاحب‌نام می‌شد. به زودی شاید طبع حساس و هنرمندانه‌اش در آثار برجسته‌ای شکوفا می‌شد. اما اکنون ... اکنون او قربانی نظام آموزشی متعصب، فاسد و ضد انسانی جمهوری اسلامی است و چه بی‌شمارند قربانیان این نظام ارتجاعی!

در این نظام آموزشی پر پروازی نمی‌ماند. کودک در چنین محیطی می‌پژمرد، به بحران‌های روحی دچار می‌گردد و می‌افسرد. شریفی چنین قضایی بود. از مادرش می‌شنویم: «... مدرسه ایراد می‌گرفت که موی دختر شما بیرون است. من می‌گفتم اینجا که همه زن هستند. ولی در جواب می‌گفتند که باید داخل مدرسه قوانین را رعایت کنند.»

از پدرش می‌شنویم: «بارها تصمیم گرفتم برای صحبت در مورد مشکلاتی که برای دخترم ایجاد می‌کند به مدرسه بروم. ولی وقتی فکر می‌کردم می‌دیدم کسی که رنگ سبز کفش یک بچه را رنگ کفر و زنده می‌داند اصلانی شود با او صحبت کرد.»

به اعتراضات مسئولین آموزش و پرورش در مصاحبه‌هایی که در نشریات انجام داده‌اند توجه کنید: «... مرتب مجبور بودیم به او بگوئیم متعصبات را درست کن، چون دختری بود که مورد توجه بچه‌ها بود و همه از او تقلید می‌کردند.»

«اگر بچه‌ها را بخواهیم به امان خدا رها کنیم، ۵۰ درصد آن‌ها تخلف انضباطی و اخلاقی دارند.»
«اگر در مدرسه صرفاً به کار فرهنگی بپردازیم و تذکر ندهیم، بچه‌ها رها می‌شوند و افراد متخلف

به دیگر «تخلف»‌هایی که در مدارس جمهوری اسلامی به اخراج منتهی می‌شود توجه کنید:

«گاهی کتاب یا نوشته‌های نامناسب یا لوازم آرایش دارند که معمولاً آن لوازم را از آن‌ها می‌گیریم و بعد می‌گوئیم باید مادرشان بیاید. بعد می‌گوئیم اگر این موارد تکرار شود آن‌ها را اخراج می‌کنیم.»

یکی دیگر از شکل‌های ارتعاب: «ما معمولاً برای اینکه بچه‌ای را بترسانیم، همینطوری مسئله پرونده را مطرح می‌کنیم و بعد به پدر و مادرش می‌گوئیم رسید بدهند.»

در یکی از نشریات جمهوری اسلامی، یکی از بازرسان آموزش و پرورش در پاسخ این سوال که آیا می‌دانید روز یکشنبه آن‌ها شریفی را از صبح تا یک و نیم بعد از ظهر بیرون کلاس سرپا نگهداشته‌اند؟ چنین پاسخ می‌گوید:

این کار هم یکی از موارد انضباطی هادی و معمولی در مدارس است.

فشار قوانین فقهی بر کودکان

دنیای زیبای تخیلات کودکان به قوانین ارتجاعی حاکم بر مدارس جمهوری اسلامی سازگار نیست. پرنده دور پرواز دنیای کودکان را

سرکوب خونین جنبش ديمقراسی در چین

صبح ارتش محل را به تصرف درآورد. سپس چرافهایی که بر فراز این میدان روشن بودند خاموش گشتند و چادرها به آتش کشیده شدند.

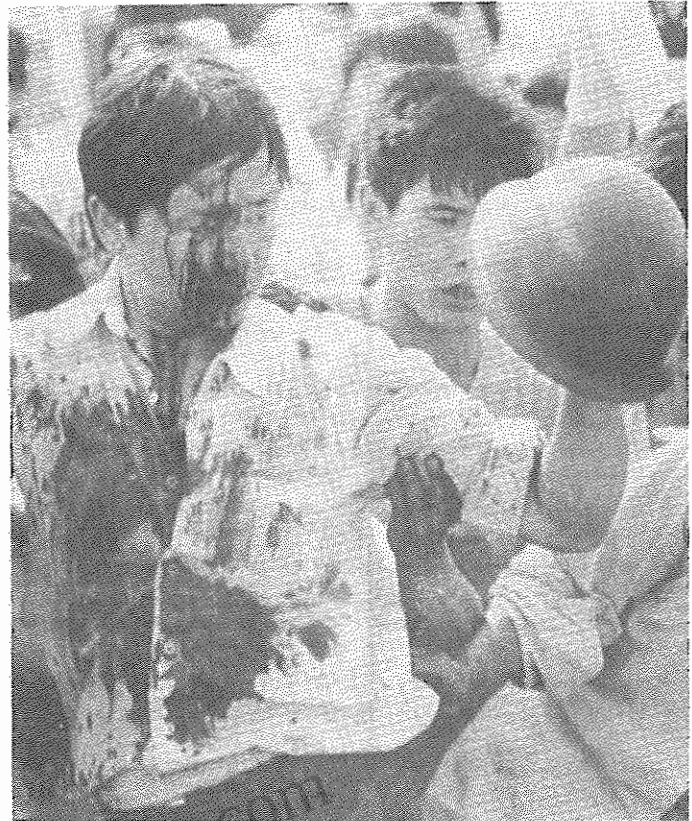
در روز دوشنبه نیز نبردها ادامه یافت. در زدو خورد های روز دوشنبه میان تظاهرکنندگان که اینک قسماً مسلح بودند و سربازان تعداد دیگری کشته و زخمی شدند. در سایر شهرهای چین نیز ناآرامیها شدت گرفت.

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین طی اطلاعیهای اعلام کرد ^۱ «شوبگران برای سرنگونی دولت به اسلحه متوسل شده بودند... تعداد انگشت شماری که نقشه سرنگونی را میکشیدند دیر زمانیست که نظرگاه لیبرالیزه

بقیه از صفحه اول

میدان موکسودی در نزدیکی موزه انقلاب شاهد اولین زدو خورد های خونین بود. تظاهر کنندگان در اینجا جلوی یک خودرو ارتشی را گرفته و اسلحه و مهمات آنرا تصاحب کردند. سپس سربازان بسوی آنان تیراندازی کردند. در تمام نقاط شهر حوادثی مشابه رخ داد و در پکن یک جنگ داخلی پا گرفت.

پس از یک جنگ چند ساعته در حوالی ساعت ۲ صبح روز یکشنبه میدان صلح آسمانی به محاصره ارتش درآمد. هزاران نفر مردمی که در این میدان جمع بودند در برابر پیشروی ارتش مقاومت کردند. قرش تفنگها لحظه ای خاموش نمی شد. در حدود ساعت ۴



رخداد چین برای سوسیالیسم جهانی بسیار دردناک است

در حال کاهش بودند ارتش به قهر متوسل شد؟

پاسخ: این محتملا به مبارزه قدرت در رهبری بر می گردد. هدف از این اقدامات تحکیم خط مخالفت با اصلاحات سیاسی بود.

پرسش: شما گفتید، جنبش دانشجویی مشکلات عینی اجتماعی را بازتاب داده است. این مشکلات به مانند قبل پابرجا هستند. بنابراین اقدام نظامی به معنی حل این مشکلات نبود. اکنون روندها در کدام جهت پیش خواهد رفت؟

پاسخ: وضعیت بسیار غم انگیز است. پشتیبانی از دانشجویان ابعاد بسیار وسیعی داشت. کشور چین اکنون چند سال به عقب بازگشته است. چین اعتبار بین المللی خود را از دست داده است. این رخداد برای سوسیالیسم جهانی نیز بسیار دردناک است. ما در همه کشورهای سوسیالیستی آشکارا به تضمین های بیشتری نیاز داریم که روندهای ديمقراتیک به عقب باز نگردند. در خود چین نیز چرخشهای نامنتظر فیر ممکن نیستند. مسئله پیوند اصلاحات اقتصادی با رفرمهای سیاسی کماکان در دستور روز خواهد ماند.

دانشجویی مورد قبول قرار داد و گفت: شما در اهداف خود محق هستید اما همه اینها فقط در چهارچوب حفظ ثبات سیاسی مقدور است

پاسخ: بله، زائو زیانگ که مدافع اصلاحات است به سهم خود برای خواسته های دانشجویان درک نشان داد. اما بالاخره خط تنگ شیائوپینگ دوباره خود را غالب کرد و موجب صدور دستور تیراندازی شد. حفظ یک نظام سیاسی با توسل به قهر همواره مسئله دردناکیست. چنین کاری هرگز مطلوب نیست. گاهی برای نجات جان انسانها توسل به قهر ناگزیر است اما در پکن مسئله این نبود. در آنجا همه امکانات برای گفتگو مورد استفاده قرار نگرفتند. صفت ضدانقلاب در مورد دانشجویان صدق نمی کند. من فقط می توانم بگویم که شخصا تظاهرکنندگان را دیده ام، دو میلیون جوانی که در شور و شوق و صداقتشان جای هیچگونه تردیدی نیست. حمل این دانشجویان بازتاب مشکلات عینی اجتماعی است.

پرسش: چرا درست زمانی که تظاهرات به لحاظ وسعت و فشار

پرسش: کمیته مرکزی در آخرین کنگره حزب کمونیست چین اذعان کرد که نوسازی قادر به محدود ماندن در حیطه اقتصاد و صنعت نیست و باید اصلاحات ديمقراتیک را نیز در برگیرد. چرا این امر محقق نشد؟

پاسخ: در رهبری حزب دو دیدگاه در مقابل یکدیگر قرار داشتند. طرفداران لی پینگ و تنگ شیائوپینگ می گفتند ما برای پیشروی حتی المقدور سریع تر در هر صه اقتصادی نیاز به ثبات سیاسی داریم نه به اصلاحاتی که احتمالا باعث ناآرامی شود. کسانی که پیرامون زائو زیانگ دبیر کل حزب قرار داشتند می گفتند ما درست برای قلبه بر مشکلات اقتصادی نیاز به اصلاحات ديمقراتیک داریم. همانگونه که زائو زیانگ به هنگام ملاقات با گارباپف افشا کرد، تنگ شیائوپینگ با وجودی که دارای مسئولیتهای رسمی نبود حرف آخر را می زد. خط تنگ علیه اصلاحات سیاسی مسلط شد.

پرسش: آنگاه دانشجویان در منازعات درونی رهبری مداخله کردند. جالب اینجاست که رهبری چین خواسته های سیاسی آنان را به استثناء به رسمیت شناختن جنبش

مصابحه خبرنگار روزنامه عصرها با وزولود اوچینیکف متخصص امور چین در روزنامه پراودا.

پرسش: مقامات چینی گفته اند اقدامات نظامی علیه دانشجویان برای در هم شکستن شورش ضدانقلابی ناگزیر بوده است. نظر شما در این باره چیست؟

پاسخ: مسئله بحرینتر از این است. تظاهرات دانشجویان تضادهای عمیق اجتماعی را بازتاب می دهند. این بار نیز مثل همیشه جوانان شاخص وضعیت اجتماعی بودند. منازعات اخیر دو هلت همده دارد. اولی عبارت است از بحران اقتصادی همیتی که در ۴۰ سال اخیر بی سابقه بوده است. در هین حال فساد و رشوه خواری به یک سیستم قانونی مبدل شده است. هر کس که در حیطه وظایف و مسئولیتهای اقتصادی صاحب قدرت بوده و اطلاعاتی از تصمیم گیریها داشته است، می توانسته است از موقعیت خود سوء استفاده کند. این دومین هلت همده اعتراضات به شمار می رود.

درگیری های قومی در ازبکستان

بطور پراکنده ادامه دارد. گارباچف و شورای نمایندگان طرفین درگیر را فراخواندند که به مناقشات پایان دهند.

فجایع شهر فرغانه میراث دیگری از سیستم کهنه است. استالین در سال ۱۹۴۴ این مردم ترک زبان را که به لحاظ ملی و از نظر تاریخ و سن، گرجی هستند از جنوب غربی گرجستان کوچ داد. او از این بیم داشت که آنها در جنگ از آلمان طرفداری کنند. به این ترتیب ۷۵ هزار نفر از مردم "مسخیت" در جنوب ازبکستان اسکان یافتند. "مسخیتها" از سالهای ۵۰ به این سو همواره تقاضا کرده اند که از آسیای میانه به گرجستان بازگردانده شوند.

کابرات قدیروف نخست وزیر ازبکستان مخالفین نوسازی را مسئول ناآرامیهای اخیر دانست. از میان مقامات با نفوذ سابق ازبکی، اشخاص زیادی بر اثر اصلاحات، امتیازات خود را از دست داده اند. خبرگزاری "نوستی" گزارش داد که انگیزه های مذهبی نیز در ناآرامیهای اخیر بی نقش نبوده اند. ازبکها سنی مذهب هستند در حالی که مسخیتها شیعه میباشند. هر دو این گروهها جز ملت های ترک زبان به شمار می روند.

ناآرامیها در ازبکستان هنوز کم و بیش ادامه دارد. میخائیل گارباچف در برابر اعضا شورای نمایندگان در ارتباط با منازعات ملی عنوان کرد "باید اکیداً علیه کسانی که به زور متوسل میشوند تدابیر قانونی بکار برده شود. اما مشکلات را نمیتوان به طریق تهر از بین برد."

خواست گسترش دموکراسی در جامعه و خواست پاکسازی حزب و دولت از عناصر فاسد و منفعت طلب یک نیاز غیر قابل اجتناب است اینگونه اقدامات سرکوبگرانه که چهره سوسیالیسم را خدشه دار می کند و در راه اصلاحات اقتصادی نیز سدی جدی ایجاد خواهد کرد، نمی تواند برای مخالفان اصلاحات مغری دراز مدت باشد. باز هم می توان جمله ارگان حزب کمونیست چین در مورد اصلاحات سیاسی را تکرار کرد که: "امروز باید پرداخت، فرداگران تر خواهد بود."

برادر زدو خوردهای شدیدی که میان ازبکها و اقلیت ترک زبان مسخیت در جنوب جمهوری ازبکستان صورت گرفت بنا به نوشته "ایزوستیا" تا کنون بیش از ۸۵ نفر جان خود را از دست داده اند. بنا به نوشته همین روزنامه بیش از ۵۵۰ خانه در شهر فرغانه به آتش کشیده شد. بنا به گزارش روزنامه سوسیالیستسکایا ایندوستریا جوانان مسلح به تیر و چوب و چماق به جان یکدیگر افتادند. علیرغم دخالت قوای انتظامی زدو خوردها ادامه پیدا کرد. شهر فرغانه که در جنوب شرقی تاشکند پایتخت ازبکستان قرار دارد شاهد شدیدترین منازعات ملی از هنگام روی کار آمدن گارباچف بود. در این منازعات متعصبین ازبکی با توسل به چوب و چماق مسخیت ها را از خانه های خود بیرون کشیدند و به حد مرگ کتک زدند. هفت هزار سرباز زیر فرمان وزارت داخله نیز قادر نشدند در بدو امر اوضاع را کاملاً آرام سازند. حتی در روز سه شنبه نیز تعدادی از خانه های مسخیت ها توسط ازبکها به آتش کشیده شد. باکاتین وزیر داخله و رافیک نشائف دبیر اول حزب کمونیست ازبکستان مستقیماً از محل شورای نمایندگان خلق به محل مناقشات هزیمت کردند.

میخائیل گارباچف در روز چهارشنبه به اطلاع اعضا شورای نمایندگان خلق در مسکو رساند که علیرغم اینکه مقامات اوضاع را در کنترل خود گرفته اند اما هنوز منازعات و آتش سوزی ها

می شود "یک اقلیت ناچیز شورشی مردمی را که از اوضاع مطلع نیستند به اعمال خشونت تحریک کرد." هدف شورش آن ها نفی رهبری حزب و نظام سوسیالیستی و سرنگونی جمهوری دمکراتیک چین است "کمیته مرکزی تظاهر کنندگان را به عنوان "دارو دسته های شورشی" "بقایای باند چهار نفره" و "جانان" به باد ناسزا گرفت. اما شک نیست جنبش دموکراسی در چین ادامه خواهد یافت. خواسته های دانشجویان و مردم خواسته هایی واقعی بر مبنای ضروریاتی هینی است.

علیرغم آرام شدن ظاهری اوضاع، هیچگونه نشانه ای از یک راه حل سیاسی بصران به چشم نمی خورد. در سایر ایالات چین تظاهرات و اعتصاب ها ادامه یافت. کمیسیون کنترل و تفتیش کمیته مرکزی همه اعضا حزب را به "حفظ اکید انضباط حزبی و همکاری با واحدها و ارگانهای انتظامی و مردم" فرا خواند. در این فراخوان افزوده شده است "باید به هر کاری دست زد که پس از نخستین پیروزی در سرکوب شورش، از اقدامات ضد انقلابیون و آشوبگرانی که هنوز مشغول فعالیتند جلوگیری شود."

بسیاری از خارجیان متیم پکن اقدام به خروج از کشور کردند. فرو دگاه پکن انباشته از کسانست که مایلند از کشور خارج شوند. در روز جمعه به ۱ ژوئن "تنگ شیائوپینگ" و "لی پنگ" پس از ۳ هفته دوباره در صحنه تلویزیون حاضر شدند. از ژائو زیانگ خبری نیست و شایعه برکناری او بر زبان ها است. تنگ شیائوپینگ طی صحبت در جمع افسران، از ارتش به خاطر اقدام قاطعانه علیه دانشجویان تشکر کرد. او خیزش دانشجویان را یک "شورش ضد انقلابی" تلمذاد کرد. رسانه های خبری چین شماره تلفن هایی را اعلام کردند که مردم "ضد انقلابیون" را از طریق آن ها به مقامات معرفی کنند.

در همین روز دوباره دهها هزار نفر از مردم شانگهای طی تظاهراتی علیه سرکوب مردم پکن توسط ارتش اعتراض کردند. شنبه سوم ژوئن به عنوان یک روز سیاه در تاریخ چین نقش خواهد بست. مردم جهان با تاسف این روز را که فریاد دموکراسی در زیر قرش تفنگها و زنجیر تانکها خفه شده یاد خواهند آورد.

تنگ شیائوپینگ و همچنین لی پنگ، نخست وزیر از همان آغاز خواهان اقدامات خشن علیه دانشجویان معترض بودند. شیائوپینگ در همان واسط ماه مه گفته بود "ما باید گی آن را داریم که خون ریخته شود." اکنون خون فراوانی ریخته شده است. سرکوب خونین جنبش دموکراسی در چینی که بنا بر گزارش تحلیل گران ناشی از قلیه جناح مخالف انجام اصلاحات در حزب است، با اشکال فیر موجهی نیز توجیه می شود. در اعلامیه کمیته مرکزی گفته

کردن بورژوازی جامعه را اتخاذ کرده اند... اینها اشخاصی اند که با نیروهای ضد انقلاب در داخل و خارج هم پیمان شده اند."

در همین روز از تلویزیون اعلام شد "موضوع برسر یک خیزش ضد انقلابیست. تاکنون تنها نخستین پیروزی حاصل شده است. قیام هنوز به پایان نرسیده. اگر ارتش وارد میدان نمی شد ناآرامیها و خونریزیهای بیشتری به بار میامد و کشور چین دستخوش یک ترور سفید می شد. باید این قیام تا به آخر در هم کوبیده شود." در روز سه شنبه بنا به گفته شاهان هینی بر خوردهایی میان واحدهای مختلف ارتش در گرفت. در این روز این شایعه قوت گرفت که ارتش ۲۷، که در روز شنبه شهر پکن را تصرف کرد، در برابر ارتشهای ۲۸ و ۳۸ که تحت نفوذ جناح اصلاح طلبان است، قرار گرفته است. در شهرهای شانگهای، جینگدو، نانکین، کانتون و کیسان نیز تظاهرات و نمایشاتی در اعتراض به اقدامات ارتش انجام شد. این اعتراضات در شهر جینگدو به زدو خوردهای خونین با شانه های رفت و آمد در سراسر شهر به وسیله راهپیمایان مختل شد.

روز چهارشنبه اوضاع کماکان ناآرام بود. در پکن تیراندازی های پراکنده. سربازان به چشم می خورد و در سایر شهرهای بزرگ و به ویژه شانگهای اعتراضات و نمایشات خیابانی تداوم یافت. در شانگهای که مردم مسیر رفت و آمد قطارها را مسدود کرده بودند، به هنگامی که یک قطار با سرعت زیاد به درون جمعیت یورش برد تعداد ۶ نفر از تظاهر کنندگان کشته شدند. این قطار سپس توسط مردم به خشم آمده به آتش کشیده شد.

در روز پنجشنبه نیز پکن کماکان در زیر کنترل نظامی قرار داشت اما اوضاع قدری آرامتر شد. بنابر گزارش خبرگزاریها تانکها از اقلب میادین شهر برداشته شدند اما سربازان مسلح هنوز در برخی از چهارراهها و اماکن مهم حضور دارند. در خیابانها وضع هادی شده و اقلب منازعه ها دوباره گشوده شده است. بنا به اخبار واصله واحدهای نظامی ارتش ۲۷ که مسئول تیراندازی به سوی دانشجویان و مردم می باشند با واحدهای دیگری جایگزین شده اند.

سیمای نوین دیپلماسی

پاسخ ادوارد امیر و سیویچ شوار دنادزه، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی به سوالات هفته نامه "فاکت هاو شواهد" شماره ۱۸، ماه مه ۱۹۸۹

بقيه از صفحه آخر

اما اگر بخواهیم از دستاوردهای بزرگ صحبت کنیم، در آن صورت من قبل از هر چیز از قرارداد امحای موشک های کوتاه و میان برد، موافقت نامه های ژنو در مورد افغانستان، نتایج جلسه مشاوره کشورهای اروپایی، ایالات متحده آمریکا و کانادا در وین، هادی شدن مناسبات با چین، و از کار بست شیوه های اصول نوین در برخورد با کشورهای سوسیالیستی و در حال رشد نام خواهم برد.

خوانندگان مادر نامه های خود گاهی این بیم را بر از می دارند که: آیا اتحاد شوروی بیش از اندازه در برابر غرب عقب نشینی نمی کند؟ آن هم چه در رابطه با هر صه هایی که شما ذکر کردید و چه در رابطه با حقوق بشر، و همچنین مثلا در رابطه با اقدامی چون کاهش نیروهای مسلح شوروی.

- پیروی از عقل سلیم را عقب نشینی خواندن نه منصفانه است و نه معقول. ما در برابر غرب عقب نشینی نمی کنیم، بلکه در راستای سرشت خود و در انطباق با خصوصیات و الزامات رشد و تکامل خود به پیش می رویم. و این هم به تمامی هر صه ها بر می گردد، چه حقوق مدنی و چه خلع سلاح.

قرارداد مربوط به موشک های کوتاه و میان برد، موشک های آمریکایی را که می توانستند مراکز حیاتی خاک اتحاد شوروی را تنها ظرف چند دقیقه هدف قرار دهند، از مرزهای کشور ما برچید. به علاوه، ما ضمن آن که از این موشک ها خلاصی می یابیم، گریبان خود را از هزینه های ضرور حفظ و مراقبت این بخش مهم هسته ای مان نیز که طبق این قرارداد نابود می شود، رها می سازیم. اما حالا مگر دنیا آخر خواهد شد که در این میان ما موشک های بیشتری از آمریکایی ها نابود کنیم. ما موشک های بیشتری مستقر کرده بودیم، حالا هم موشک های بیشتری جمع می کنیم. مهم آن است که این برای ما بهتر خواهد بود.

در خلال این صحبت می خواهم کلاً یادآور شوم که مفاهیم نیرو و امنیت دولت در شرایط معاصر چیزی اساساً متفاوت با این مفاهیم در سال های ۳۰، یعنی متفاوت با زمانی است که در سرودهایمان می خواندیم: "ارتش سرخ نیرومندتر از همه"، "آیا نیرومند است، و آیا ایمن است کشوری که

اقتصادش دچار اختلال و علوم بنیادینش در رکود باشد، کشوری که اقتصاد کشاورزی اش به هیچ ترتیب نتواند روی پا بایستد و شهروندانش به خاطر کمبود در تمامی هر صه ها زیر شکنجه باشند؟

امادرمورد افغانستان. موافقت نامه های ژنو در ماهیت امر سدی است در برابر هزارها به خون خفته ای که نصیب کشور ما شده است. چیزی است که اعتماد به اتحاد شوروی را در همه جهان به شدت بالا می برد. و بالاخره، فرصت دیگری است برای افغان ها که امور خود را خود حل و فصل نمایند.

ما هر چه در توان داشته ایم به کار گرفته ایم تا پس از خروج ما، در افغانستان خونریزی نباشد و هر گاری خواهیم کرد تا این کشور روی پای خود بایستد...

در مورد مشاوره وین باید گفت که این دیدار نه تنها مذاکرات فوق العاده مهمی را در راستای بازسازی ماشین های جنگی اروپا به صورت ماشین های دفاعی "به راه انداخت"، بلکه به گسترش بیشتر همکاری های گوناگون در این قاره تحرک بخشید و "بعد انسانی" روند اروپای مشترک را از مضمونی نوین سرشار ساخت. در جریان دیدار وین ما بسیاری مسایل مربوط به حقوق بشر را به گونه ای نوین درک کردیم و این خود به ما امکان می دهد در این هر صه در کشور خود بیشتر پیشروی کنیم. اما آیا اسم این را باید گذاشت عقب نشینی در برابر غرب؟

مگر این نیاز غرب است که انسان شوروی از مجموعه آزادی هایی که به طور مرسوم حقوق بشر خوانده می شود، برخوردار گردد؟ این امر پیش از همه و در وهله اول برای ما و شما، برای فرزندان ما، برای آینده مان و برای سوسیالیسم ضروری است. بدون تامین حقوق گسترده و تضمین شده برای انسان، دموکراسی در کار نبوده و نمی تواند هم در کار باشد، دولت حقوقی وجود نداشته و نمی تواند هم وجود داشته باشد.

اماد ر رابطه با آن چه که به کاهش ۱۲ درصدی نیروهای مسلح و تقلیل

هزینه های نظامی به میزان ۱۴ درصد مربوط می شود، فکر می کنم وجهی از این مساله که به اقتصاد ملی بر می گردد احتیاج به توضیح و تفسیر ندارد و خود به خود روشن است. اهمیت مثبت این اقدام در ارتباط با چشم انداز مذاکرات مربوط به خلع سلاح نیز به یکسان هین و آشکار است. تنها روی یک نکته می خواهم تاکید کنم و آن هم این که این در صدها رتقی "من در آوردم" نیستند، بلکه بارها به طور موشکافانه در دفتر سیاسی شورای دفاع مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. همه و هر چیز سنجیده شده است و این نتیجه به دست آمده است که به این ترتیب بنیه دفاعی کشور آسیب نخواهد دید. اگر در این زمینه هم از عقب نشینی صحبت کنیم، آری این "عقب نشینی" است، اما در قبال سطح زندگی مردم شوروی (که افسوس هنوز چندان بالا نیست)، در قبال بهداشت و درمان (که اضافه بر این هم چند میلیارد روبل به آن اختصاص یافته است)، و در قبال تامین اجتماعی.

به نظر شما بفرج ترین مساله سیاست بین المللی پس از افغانستان کدام است؟

- اگر مقصود از مساله، درگیری های منطقه ای باشد، من روی خاور نزدیک مکت می کنم. در واقع، هر لحظه در این منطقه روندهای خطرناک و غیر قابل کنترلی می تواند انکشاف پیدا کند که هواقب وخیمی به دنبال داشته و کل حیات بین المللی را با دشواری های دراز مدت روبرو سازد.

- شما در سخنرانی خود در کنفرانس علمی-عملی وزارت امور خارجه (ژوئیه ۱۹۸۸) از "بهای اقتصادی تصمیمات سیاسی" سخن گفتید. به نظر شما، موافقت نامه های بین المللی که در ایام اخیر از جانب اتحاد شوروی امضاء شده است چه نقشی در سالم سازی اقتصاد کشور بازی خواهند نمود؟

- مقصود من از بهای اقتصادی تصمیمات سیاسی چیزی شیر از همان سود اقتصادی نیست. در ایام ماقبل، نوسازی، هنگام

تصمیم گیری در هر صه سیاسی (ومن مسایل دفاعی را نیز به آن اضافه می کنم)، "حساب هر کویک را داشتن" چیزی تقریباً خجالت آور بود. سیاست خارجی حالتی قائم به ذات داشت و اقتصاد... چه جای این خرده ریزها، آن هم وقتی که صحبت بر سر ایده ها و ایده آل ها و بر سر "سیاست بزرگ" است؟ آن چه که هملا در رابطه با کل اقتصاد ملی به کار بسته می شد، همان "اصل بازمانده ها" بود؛ تنها آن چیزی نصیب اقتصاد داخلی کشور می شد که پس از تامین برنامه های اقتصاد خارجی و پس از انجام تدابیر دفاعی، باقی می ماند. این حقیقت هم اساساً نادیده گرفته می شد که در هر صه های بین المللی و دفاعی، ممکن است چیزهایی وجود داشته باشد که کشور ما اصلاً نتواند به طرف آن برود. بی تردید این همه، در آن که اقتصاد ما "به این روز افتاده است" نقش داشته است.

در حال حاضر، تصمیمات سیاسی در ترازوی اقتصاد هم قرار داده می شوند. ایقان دارم که تنها بدین ترتیب می توان تمامی عناصر قدرت ملی مان (آن هم قدرت واقعی، و نه قدرت موهومی که در "سرود" ها خوانده می شود) را هماهنگ سازیم. قدرت سیاست خارجی، قدرت دفاعی و قدرت اقتصادی، نتیجه هم آن که چه در کل و چه در مریک از این اجزاء، نه ضعیف تر، که قوی تر خواهیم شد.

در مورد نقش موافقت نامه های سال های اخیر در سالم سازی اقتصاد کشور بار دیگر می خواهم به قرارداد مربوط به موشک های کوتاه و میان برد، به موافقت نامه ژنو در مورد افغانستان و به هادی شدن مناسبات با بسیاری از کشورها اشاره کنم. مثلاً هیچ کس فکرش را هم نکرده است که ناهنجاری و غیرهادی بودن مناسبات میان اتحاد شوروی و چین تا چه اندازه برای اقتصاد این دو کشور کبیر و سوسیالیستی گران تمام شده است.

اما آخرین نکته ای که در پاسخ به این سوال باید به آن اشاره کنم چنین است. موجبات سالم سازی اقتصاد کشور ما را تحقق یکی از اصول همده تفکر نوین سیاسی فراهم خواهد آورد و این اصل هم هبارتست از: همگرایی اقتصاد شوروی در سیستم جهانی اقتصاد.



«هیچ کس بجز ریشکوف وجود ندارد که به مسائل داخلی کشور باندازه او تسلط داشته باشد، او تنها کسی است که قادر به انجام این کار است.»

کناره گیری پل پت از سمت های رسمی

پل پت رهبر سابق خمرهای سرخ از آخرین مسئولیت رسمی خود استعفا کرد. دیکتاتور سابق کامبوج تا قبل از استعفای خود مسئول سازمان تحقیقات دفاعی خمرهای سرخ بود، اما او کماکان در میان خمرهای سرخ به فعالیت خود ادامه خواهد داد. این اقدام در چهارچوب تلاش خمرهای سرخ در جهت کسب اعتبار بین المللی میباشد.

خمرهای سرخ در زیر رهبری پل پت از سالهای ۱۹۷۵ الی ۱۹۷۹ استبدادی وحشتناک و خونین را اعمال کردند که طی آن ۲ میلیون انسان جان خود را از دست دادند تا آنکه بر اثر قیام مردم و با کمک نیروهای نظامی ویتنامی از کشور رانده شدند.

مرگ یک رهبر فلسطینی در زندان اسرائیل

یکی از رهبران جبهه آزادیبخش فلسطین که در هرض ۲۰ سال گذشته در زندانهای اسرائیل بسر برده بود در زندان درگذشت. اهم کاظم که بنا به گفته مقامات اسرائیلی عضو هیئت سیاسی جبهه آزادیبخش بود یکی از مهمترین زندانیان فلسطینی به شمار میرفت. ارتش اسرائیل پس از این واقعه در روستای هابله در اردن قریبی که محل زندگی خانواده کاظم است حکومت نظامی اعلام کرد. او که ۴۸ ساله بود در سال ۱۹۶۸ به هنگام فعالیت چریکی زیرزمینی توسط سربازان اسرائیلی دستگیر و به دوبار حبس ابد محکوم شده بود. او دو ماه قبل به یک بیمارستان انتقال یافت. به هنگام مرگ او فلسطینیان در اورشلیم در یک کنفرانس مطبوعاتی آزادی او را مطالبه میکردند.

نیکلای ریشکوف،

نخست وزیر اتحاد شوروی

شورای عالی اتحاد شوروی روز چهارشنبه ۷ ژوئن اولین جلسه خود را تشکیل داد. در این جلسه نیکلای ریشکوف به عنوان نخست وزیر اتحاد شوروی در مقام خود مورد تأیید قرار گرفت. میخائیل گارباجف که ریشکوف را به این سمت پیشنهاد کرده بود، از جمله گفت: «او از هواخواهان نوسازی است و هرچه در سالهای اخیر صورت گرفته است، در پیرو تلاشهای او بوده است. ریشکوف در جهت خارج ساختن اقتصاد از مرکزیت، اعتقاد خود به دموکراسی را نشان داده است. گارباجف در همین حال به خطاها اشاره کرد و گفت: «همه چیز آن طور که برنامه ریزی شده بود پیش نرفته است و خطاهای جدی صورت گرفته اند. این امر باعث می شود که اولین درسها را از این خطاها فراگیریم.»

میخائیل گارباجف قبل از تشکیل جلسه شورای عالی اتحاد شوروی نیز گفته بود:

پیروزی اتحادیه همبستگی در انتخابات لهستان

در انتخابات پارلمان و مجلس سنا در لهستان گاندیدهای اتحادیه همبستگی موفقیت بزرگی بدست آورده اند. بیش از ۹۵ درصد از کسانی که توسط اتحادیه همبستگی معرفی شده بودند به مجلس راه یافتند.

یان بیزتسیگا سخنگوی مطبوعاتی کمیته مرکزی به نمایندگی از جانب ائتلاف حکومتی نتایج انتخابات را چنین ارزیابی کرد: «انتخابات دارای خصلت رفراندوم بوده است و اتحادیه همبستگی اکثریت قاطع آرا را به خود اختصاص داد.»

پرفسور ماریان ارچشوفسکی عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی در یک مصاحبه مطبوعاتی عنوان کرد: «نتایج انتخابات شانس اینانی یک «مسئولیت مشترک» را در قبال کشور ایجاد کرده است. اما باید بر این واقف بود که یک ائتلاف حداقل دارای دو طرف میباشد.

سخنگوی مطبوعاتی اتحادیه همبستگی یانوس او نیچکینیچ در مقابل گفت: «اگر ما اکنون امکان مشارکت در حکومت را مورد بررسی قرار دهیم مواهیدی را که به هنگام انتخابات به مردم داده ایم شکسته ایم اما هدم شرکت در حکومت به معنی نفی همکاری با آن در مسائل مشخص نیست.»

بن بست مذاکرات صلح در السالوادور

چریکهای السالوادور پیشنهاد مذاکره آلفردو کریستیانی را رد کردند. او طی اعلامیه ای از جبهه آزادیبخش ملی فارابو دئومارتنی درخواست کرده بود که پیرامون زمین گذاردن سلاحهای خود و بازگشت به زندگی عادی گفتگو نمایند اما او بحث پیرامون ایجاد تغییراتی در سیستم سیاسی رانفی کرد.

ادامه ارسال سلاح برای

ضدانقلابیون افغانستان

جرج بوش رئیس جمهور آمریکا طی ملاقات خود با بی نظیر بوتو اعلام کرد آمریکا کماکان به کمک تسلیحاتی خود به ضدانقلاب افغانستان ادامه خواهد داد. او گفت حکومت غیرقانونی افغانستان باید جایگزین شود. به این ترتیب احتمالاتی که پیرامون تغییر سیاست آمریکا در مورد افغانستان داده میشد تحقق پیدا نکرد. بنابه نوشته زوددویچه تسایونگ یک مقام هالبرته آمریکایی گفته است که کمکهای نظامی آمریکا مشروط به هیچگونه پیش شرطی نیست و عناصر مرکزی سیاست آمریکا در افغانستان بلا تغییر مانده اند. شورشیان افغانی ادها کرده بودند که ناکامیهای نظامی آنها به دلیل کاهش کمکهای نظامی قرب بوده است.

بوش گفت که او و بی نظیر بوتو در زمینه کمکهای نظامی به شورشیان افغانستان اتفاق نظر دارند.

دولت آمریکا پس از خروج نیروهای شوروی انتظار داشت که در مدت چندماه رژیم افغانستان سقوط خواهد کرد. اما حملات نظامی ضدانقلابیون افغانی یکی پس از دیگری به شکست انجامید. تسلیحات ارسالی آمریکا به ضد انقلابیون به کمک ارتش پاکستان به آنان تحویل میشود.

ضرورت مذاکره سریع

پیرامون هو شکهای بر دکوتاه

ادوارد شوارندادزه وزیر امور خارجه شوروی بر درخواست شوروی مبنی بر مذاکره سریع پیرامون سلاحهای هسته ای برد کوتاه تاکید کرد. او در روزنامه مسکو نیوز با اشاره به تصمیمات اخیر اجلاس ناتو گفت: امیدوارم کشورهای عضو پیمان ناتو آخرین حرف را در این ارتباط نگفته باشند. پیوند دادن این مذاکرات با مذاکره پیرامون سلاحهای غیر هسته ای تنها به تاخیر در کاهش سلاحهای هسته ای برد کوتاه منجر خواهد شد چنین تاخیری نه تنها به محدود شدن نوسازی سلاحهای هسته ای منجر نمیشود بلکه گرایش به مدرنیزه کردن آنها را تقویت میکند.

مذاکرات برای استقلال اریتره

منگیستو هابله ماریام برای پایان دادن به جنگ داخلی در شمال اتیوپی گامهای نوینی به پیش برداشت. ابتکار نوین حکومت مبتنی بر ۶ نکته است که ۳ نکته آن به این هلت که بر خواسته های جبهه رها بیخش مردم اریتره مبتنی است حائز اهمیت است. این نکات عبارتند از: - آمادگی برای مذاکره آشکار در میان نبودن هیچ گونه پیش شرطی برای آغاز مذاکره، حضور ناظرین بین المللی در مذاکرات.

صرف نظر کردن از تعیین پیش شرط به معنای آنستکه خواست جبهه رها بیخش مردم اریتره مبنی بر استقلال اریتره نیز در مذاکرات گنجانده شود.

سیمای نوین دیپلماسی

باسم ادوار دامیر و سیویچ شوارندادزه، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی به سوالات هفته نامه "فاکت ها و شواهد" شماره ۱۸، ماه مه ۱۹۸۹

- بزرگترین دستاورد سیاست خارجی کشور در مدت زمان کار شما در وزارت امور خارجه چه بوده است؟

- انتصاب من به وزارت امور خارجه هملا با آغاز نوسازی همزمان بوده است و تمامی دستاوردهای اساسی سیاست خارجی ما ظرف ۴ سال اخیر نتیجه و محصول مستقیم نوسازی است. فکر میکنم مهم تر از هر چیز آن است که موفق شده ایم "گرایش به رویارویی" را در هم بشکنیم و تقابل را به دیالوگ تبدیل کنیم. همان گونه که میخائیل گارباچف در نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب متذکر شد، ما مناسباتمان را با هیچ کس تیره نساختم، با مناسبات موجود را گسترش داده و

مناسبات جدیدی نیز برقرار نموده ایم. مناسبات ما با جهان پیرامون هموارتر و آرام تر شده است و این هم خودش چیز کمی نیست، خطر درگیری و جنگ دورتر رانده شده است. امنیت ما بیشتر شده، آن هم نه به حساب کوشش های فوق العاده و جدید در جهت "تسلیم بیشتر"، بلکه به مدد سیاست صحیح. حیثیت بین المللی میهن ما به طور چشمگیری بالا رفته و اعتماد به حرف و عمل ما افزایش یافته است. این دستاوردها را به سختی بتوان با مهارتی کمی سنجید، اما تغییر کیفی را هر کس که مثلاً ۵ سال پیش در غرب بوده و حالا دوباره به کشور باز میگردد به آسانی احساس میکند. بقیه در صفحه ۱۰

پس از مرگ خمینی

روز تعطیل رسمی و ۴۰ روز عزای عمومی شد.

- هیئت دولت نیز طی بیانیه ای "امت حزب الله" را به وحدت و مقابله با "دشمنان" فراخواند.

- گلبایگانی و مرهشی نجفی که در جریان بیماری خمینی چهره های فعالی پیدا کرده بودند، هر یک با صدور اطلاعیه های جداگانه ای ضمن تذکر به حساسیت اوضاع دعوت به برقراری نظم و امنیت کردند.

- منتظری ضمن ارسال پیام تسلیت به خانواده خمینی، با صدور اطلاعیه ای به "امت مسلمان" در مورد حفظ هماهنگی و وحدت کلمه داد سخن داده و به نیروهای مسلح در مورد حفظ نظم و آرامش و تقویت مرزها برای مقابله با "برق قدرت های شرق و غرب و صهیونیسم جهانی و همال خارجی بقیه در صفحه ۵

چند ساعت بعد از اعلام و خیم بودن وضع سلامتی خمینی توسط پزشکان معالج وی و صدور اطلاعیه از طرف دفتر خمینی، در ساعت ۶ بامداد روز یکشنبه خبر مرگ خمینی به سراسر جهان مخابره شد. بعد از اعلام مرگ خمینی، بلافاصله از سوی احمد خمینی بیانیه ای در این مورد صادر شد. بعد از اطلاعیه احمد خمینی، از سوی خامنه ای، رفسنجانی، اردبیلی به عنوان سران سه قوه حکومتی و میرحسین موسوی به عنوان رئیس دولت بیانیه مشترکی در مرگ خمینی منتشر شد.

در این بیانیه ضمن دعوت "امت حزب الله" به وحدت و مقابله با تحریکات "دشمنان داخلی و خارجی" و اعلام آمادگی نیروهای مسلح رژیم در سرکوب هرگونه حرکت احتمالی، اعلام ۷

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "کار"
۱۳ مارک	۱۱ مارک	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴ "	۲۱ "	☐ شش ماهه	☐ يك ساله

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "اکثريت"
۳۰ مارک	۲۷ مارک	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۵۸ "	۵۲ "	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۱۱۵ "	۱۰۲ "	☐ شش ماهه	☐ يك ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 261
MONDAY 12 Jun 89

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

صاحب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAQ
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

مذاکرات آتی ایران و عراق درباره صلح

ملل متحد در ژنو آغاز شده بود بعد از ۵ روز مذاکره به علت کار شکنی های دو رژیم بویژه نماینده عراق با بن بست کامل روبرو شد.

در دور چهارم مذاکرات رژیم عراق با اعلام بی اعتبار بودن مفاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و به رسمیت نشناختن حق حاکمیت دو گانه ایران و عراق بر اروندرود و "شط العرب" و هدم موافقت با خروج نیروهای خود به پشت مرزهای شناخته شده بین المللی مطابق با بند اول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل هملا به بن بست مذاکرات کمک نمود. و این در حالی بود که سران حکومت در ایران در پی اختلافات حاد درون حکومتی با تسویه و دستگیری های وسیع در موضع ضعیف سیاسی قرار داشته اند.

رژیم عراق در دور قبلی مذاکرات به قصد بهره برداری از ضعف هیئت ایرانی مذاکره کننده ناشی از اختلافات شدید حکومتی و بقیه در صفحه ۵

در نیویورک اعلام گردید پان الیاسون نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در مذاکرات صلح میان ایران و عراق در اوایل هفته گذشته با نمایندگان ایران و عراق به طور جداگانه ملاقات و گفتگو کرده است.

در این ملاقات ها سیروس ناصری رئیس هیئت ایران در سازمان ملل و هصمت کتانی نماینده عراق در سازمان ملل حضور داشته اند.

این مذاکرات برای ایجاد شرایط و زمینه های مناسب برای پیشبرد مذاکرات صلح و به ابتکار مشخص دبیر کل سازمان ملل تدارک دیده شده بود. چند هفته قبل دبیر کل سازمان ملل اعلام داشته بود که برای آنکه مذاکرات هادی که قرار است در تیرماه صورت گیرد به نتایج مشخصی برسد لازم است قبل از شروع این مذاکرات با طرفین درگیر حول مسائل مورد اختلاف صحبت شود. دور قبلی مذاکرات صلح ایران و عراق که در ۳۱ فروردین ماه گذشته در مقر اروپایی سازمان